

توطئه‌های آمریکا علیه ایران و واکاوی دلایل دشمنی با انقلاب اسلامی

علی مجتبی‌زاده*

چکیده

نگاهی گذرا به تاریخ معاصر ایران، بیانگر فهرست بلندی از توطئه‌ها، اقدامات خصمانه و دخالت‌های آمریکا در کشور عزیزمان ایران است؛ فهرستی که از کودتای ۲۸ مرداد گرفته تا تحمیل قانون استعماری کاپیتولاسیون و حمایت و تحکیم پایه‌های حکومت استبدادی شاه تا حمله نظامی به طبرستان، کودتای نقاب و تحریک و حمایت همه‌جانبه از صدام در جنگ تحمیلی، فشارهای اقتصادی و اقدامات تحریمی، حمایت، سازماندهی و هدایت مخالفان نظام، فضا سازی سیاسی و تبلیغاتی و جنگ روانی، مقابله با دستیابی جمهوری اسلامی به فناوری هسته‌ای، تهاجم فرهنگی و جنگ نرم را در بر می‌گیرد. این حجم از کینه‌توزی و دشمنی، ریشه در ماهیت سلطه‌جویانه آمریکا و موقعیت راهبردی و منابع سرشار کشورمان داشته که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت اسلامی، عدالت‌خواهانه، استقلال‌طلبانه، سلطه‌ستیزانه و حمایت‌گرانه از مظلومان، جنبه‌های بسیار عمیق‌تری پیدا کرد.

واژگان کلیدی: آمریکا، ایران، انقلاب اسلامی، توطئه آمریکا، دشمنی.

*. دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش انقلاب اسلامی؛ mojtabazadeh@chmail.ir

مقدمه

تاریخ معاصر کشور ما سندی گویا بر توطئه‌ها، اقدامات خصمانه و دخالت‌های آمریکا است که نگاهی گذرا به آن فهرست کافی است تا خوی استکباری این کشور را به نمایش گذاشته و نقاب فریب از چهره آن کنار زند و صرف‌نظر از جنایات‌های این کشور در سایر کشورها، آن را به‌عنوان کانون و محور شرارت در جهان معرفی نماید. هرچند پرداختن به جزئیات طومار بلند توطئه‌ها و شرارت‌های آمریکا علیه کشورمان، بسیار طولانی خواهد بود، اما نیم‌نگاهی به مهمترین اقدامات خصمانه، گویای بسیاری از واقعیت‌هاست که در این نوشتار به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم.

توطئه‌های آمریکا علیه ایران

از مهمترین نمونه‌های شرارت و خصومت آمریکا علیه کشورمان می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

پس از ملی شدن صنعت نفت، شاهد فشارها و محاصره اقتصادی کشور توسط آمریکا و انگلستان بودیم تا کشورمان را وادار به عقب‌نشینی در تصمیم خود نموده و به‌دنبال آن طرح کودتا پی‌ریزی شد. کودتای ۲۸ مرداد را باید سرآغاز تسلط آمریکا بر ایران و دخالت در امور کشورمان به حساب آورد.

بنابر اعتراف آمریکایی‌ها که در اسناد منتشر شده توسط سازمان سیا و وزارت خارجه آمریکا در سال ۱۳۷۹ منعکس شده است، نمایندگان دستگاه امنیتی انگلیس، موضوع براندازی دولت مصدق و جایگزین کردن یک حکومت کاملاً وابسته را به نمایندگان سیا پیشنهاد کردند که با پاسخ مثبت آمریکایی‌ها در فروردین سال ۱۳۳۲ روبرو شدند.

طرح این کودتا پس از مطالعات فراوان توسط طراحان انگلیسی و آمریکایی در قالب طرح تی‌پی‌اژاکس (T.P Ajaax) در ۲۱ تیرماه توسط رئیس سازمان سیا، وزیر خارجه آمریکا و رئیس‌جمهور آمریکا (آیزنهاور) به امضای نهایی رسید و با اختصاص

بودجه‌ای هنگفت، در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ کودتا انجام پذیرفت که در نتیجه آن دکتر مصدق از پست نخست‌وزیری برکنار شد و حکومت وی سقوط کرد، شاه که از بیم اعتراضات و شورش‌های مردمی، از قبل به ایتالیا گریخته بود، پس از کودتا مجدداً به ایران بازگشت و به این صورت، سلطه همه‌جانبه آمریکا بر این کشور آغاز شد (واعظی، ۱۳۷۹، ص ۵۷).

کرمیت روزولت از مقامات برجسته سیا که مجری این کودتا بود، چنین اعتراف می‌کند: «کودتای ایران نخستین عملیات مخفی علیه یک دولت خارجی بود که به وسیله سیا در ماه‌های آخر حکومت ترومن تنظیم شده بود.» (مدنی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۵۱۵).

۲. حمایت و تحکیم پایه‌های حکومت استبدادی شاه

حمایت دولت آمریکا از شاه پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ وارد مرحله جدیدی شد و آمریکایی‌ها با تمام توان، از شاه حمایت کردند، حمایت مالی آمریکا پس از کودتا به طرز شگفت‌انگیزی افزایش یافت به گونه‌ای که دوازده روز پس از کودتای ۲۸ مرداد، آمریکا با پرداخت یک وام ۴۵ میلیون دلاری به ایران موافقت نمود. در سال ۱۳۳۰ کمک مالی آمریکا به ایران بالغ بر ۱/۳ میلیون دلار بود، درحالی‌که این رقم در سال پس از کودتا به ۷۰ میلیون دلار یعنی ۶۰ برابر رقم قبلی رسید.

همچنین درحالی‌که تعداد مستشاران سازمان سیا در ایران در سال ۱۳۳۰ کمتر از ۱۰ نفر بود، سه سال بعد به ۳۰۸ نفر رسید (واعظی، ۱۳۷۹، ص ۶۴-۶۵).

نفوذ و سلطه آمریکا در دستگاه حاکمیت ایران تا جایی رسید که کارتر علاقه خود را نسبت به رژیم شاه این‌گونه توصیف نمود: «هیچ کشور دیگری در جهان برای برنامه‌ریزی مشترک از ایران به آمریکا و ما نزدیک نیست، هیچ کشور دیگری برای بررسی مشکلات منطقه‌ای که مورد علاقه هر دو طرف ما نیز هست، ارتباط نزدیکتری از ایران با ما ندارد و هیچ رهبر دیگری نزد من احترامی عمیقتر و رابطه‌ای دوستانه‌تر از شاه ندارد.» (واعظی، ۱۳۷۹، ص ۷۷).

آمریکایی‌ها تا آخرین روزهای حیات سیاسی شاه، دست از حمایت وی برنداشتند و در برابر همه جنایات‌ها از او حمایت می‌کردند.

۳. تشکیل ساواک در ایران

تأسیس ساواک در ایران تحت نظارت آمریکا انجام گرفت که نه تنها سازمان سیا، بلکه سازمان FBI که آژانس داخلی آمریکاست نیز در این راه کمک‌های فراوانی کرد، آموزش نیروهای ساواک توسط افسران سازمان سیا هم در داخل کشور و هم در آمریکا صورت می‌گرفت (سلیمی‌بنی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۵-۱۸۶).

ارتشبد حسین فردوست در این باره می‌نویسد: در نخستین قدم، شناخت سازمانی که مأمور راه‌اندازی آن بودم ضرورت داشت وضع سازمان را مطالعه کردم و با تک تک مدیران کل بحث نمودم، بدین ترتیب مشخص شد که از سال ۱۳۳۵ ساواک توسط ده مستشار آمریکایی طبق قواره سازمان خودشان سازماندهی شده است، بنابراین ساواک دو وظیفه اطلاعاتی و امنیتی را بر عهده داشت و تلفیقی الهام گرفته از دو سازمان سیا و اف.بی.آی بود (فردوست، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۰۹).

بدین وسیله آمریکا توانست با تأسیس ساواک در ایران، کانونی قوی از سازمان جاسوسی آمریکا را بدون هزینه خود تأسیس کند تا از یک طرف حافظ رژیم سلطنتی باشد که این رژیم با اطمینان خاطر منافع آمریکا در منطقه را تأمین نماید و از طرف دیگر با توجه به موقعیت ایران از این طریق بتواند رقیب اصلی خود؛ یعنی شوروی سابق را زیر نظر بگیرد.

۴. تحمیل قانون استعماری کاپیتولاسیون و تحقیر ملت بزرگ ایران

یکی از اقدامات تحقیرآمیز دولت ایالات متحده آمریکا علیه ملت ایران، تحمیل لایحه اعطای مصونیت قضایی به اتباع آمریکایی بود، دولت آمریکا از ابتدای نخست‌وزیری اسدالله علم، ادامه حضور مستشاران نظامی آمریکا و خانواده آنها در ایران را مشروط به معافیت از شمول قوانین قضایی ایران کرد، قبول این خواسته آمریکایی‌ها به مفهوم از بین رفتن صلاحیت رسیدگی دادگاه‌های ایران به جرایم اتباع آمریکایی در ایران بود که به صورت لایحه‌ای توسط حسنعلی منصور، نخست‌وزیر وقت در مهرماه ۱۳۴۳ به مجلس ارایه شد و به تصویب رسید، امام خمینی علیه السلام در سخنرانی مشهور خود در چهارم آبان ۱۳۴۳ که به تبعید ایشان منجر شد، این قانون را سند بردگی ملت ایران دانسته و فرمودند: «عزت ما پایکوب شد؛ عظمت ایران از بین رفت ... ما را جزء دول

مستعمره حساب کرد؛ ملت مسلم ایران را پست‌تر از وحشی‌ها در دنیا معرفی کرد... تمام گرفتاری ما از این آمریکاست! تمام گرفتاری ما از این اسرائیل است! اسرائیل هم از آمریکاست، این وکلا هم از آمریکا هستند! این وزرا هم از آمریکا هستند! همه تعیین آنهاست، اگر نیستند چرا نمی‌ایستند در مقابلش داد بزنند؟... ما این قانونی که گذراندند - به اصطلاح خودشان - قانون نمی‌دانیم، ما این مجلس را مجلس نمی‌دانیم، ما این دولت را دولت نمی‌دانیم، اینها خائنند به مملکت ایران! خائنند.» (امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۲۴-۴۱۵).

کویلر یانگ استاد دانشگاه پرینستون آمریکا معتقد است؛ «کاپیتولاسیون اشتباه فجیعی برای منافع آمریکا در ایران بود و این قانون سنگین به‌عنوان نشانه فاحش امپریالیسم تفسیر می‌شد، با این همه ما برای اجرای آن پافشاری کردیم.» (بیل، ۱۳۷۱، ص ۲۵۸).

۵. حمایت همه‌جانبه از رژیم شاه

همزمان با اوج‌گیری تظاهرات مردمی، حمایت آمریکا از حکومت دیکتاتوری شاه افزایش می‌یافت. به‌عنوان نمونه در تابستان ۱۳۵۷، پنج ماه قبل از فرار شاه از ایران، اردشیر زاهدی، سفیر ایران در آمریکا در کاخ سفید با رییس جمهور، سایرونس وزیر خارجه، زیبگنیو برژینسکی مشاور امنیت ملی و رئیس سیا ملاقات کرد. در پایان این گفتگو رییس جمهور آمریکا برای ابراز میزان حمایت خود از رژیم شاه خطاب به اردشیر زاهدی گفت: «نگران واشنگتن نباشید من سفیر شما در ایالات متحده خواهم بود.» (لوین، لوئیس، ۱۳۶۳، ص ۵۹).

همچنین به‌دنبال کشتار بی‌رحمانه در هفده شهریور ۱۳۵۷ که هزاران زن و مرد مسلمان به‌دست مزدوران شاه به شهادت رسیدند، دولت آمریکا نه تنها سکوت پیشه کرد، بلکه کارتر یک روز پس از این فاجعه خونین، طی تماس تلفنی با شاه، حمایت کامل خود را از حکومت وی اعلام کرد.» (همان، ص ۳۹).

در دوازدهم آبان ۱۳۵۷ و با گسترده شدن مبارزات مردمی نیز شاه که خطر انقلاب را بیش از هر زمان دیگر حس می‌کرد، در تماسی تلفنی با برژینسکی، مشاور امنیت

ملی آمریکا پیام روشنی دریافت نمود برژینسکی به شاه گفت: «هر اقدامی را که لازم می‌داند انجام دهد و کاملاً مطمئن باشد که دولت آمریکا از او با تمام قوا حمایت خواهد کرد وی تأکید کرد که این سخنان را مستقیماً از قول کارتر نقل می‌کند.» (همان، ص ۴۶).

شاه پس از این مکالمه تلفنی، دولت شریف امامی را برکنار کرد و یک دولت نظامی به ریاست ارتشبد ازهراری روی کار آورد و در سایه حمایت آمریکا، واقعه سیزده آبان ۱۳۵۷ و کشتار دانش‌آموزان و دانشجویان توسط رژیم رخ داد.

۶. تحریکات علیه انقلاب اسلامی در روزهای آغازین

آمریکا پس از ناکامی در جلوگیری از پیروزی انقلاب اسلامی، از همان روزهای آغازین تلاش‌های فراوان برای مقابله با آن به کار گرفت. به‌دنبال دستگیری و محاکمه سران رژیم پهلوی از جمله هویدا، نخست‌وزیر اسبق و نصیری، رییس اسبق ساواک که در کشتار، سرکوب، فساد و نابسامانی‌های آن رژیم دخالت موثر داشتند، قطعنامه‌ای در سنای آمریکا در محکومیت کشورمان به ادعای نقض حقوق بشر تصویب رسید. این در حالی بود که این کشور پیش از آن از کشتار مردم توسط شاه در هفده شهریور و سیزده آبان ۱۳۵۷ حمایت کرده بود. علاوه‌براین قطعنامه، سنا از دولت‌های دیگر هم می‌خواست که دولت انقلابی ایران را برای ترک این اعدام‌ها زیر فشار بگذرانند و به این ترتیب تلاش کرد تا یک فشار بین‌المللی برای انزوای انقلاب اسلامی ایجاد کند.

از جمله اقدامات این کشور، حمایت از تحریکات تجزیه‌طلبانه برخی جریان‌ها و گروه‌های ضد انقلاب بود

تمایلات تجزیه‌طلبانه و خودمختارخواهانه در نواحی مرزی ایران از جمله بلوچستان، کردستان، آذربایجان، خوزستان و ترکمن صحرا که منجر به شورش و مبارزه مسلحانه شده بود و استقرار برخی از سران نظامی و امنیتی رژیم پهلوی از جمله اویسی در عراق و تجهیز آنها به تسلیحات، مشکلاتی را برای وضعیت تثبیت انقلاب اسلامی به‌وجود آورده بود و همه این اقدامات با همکاری آمریکاییان با ضدانقلابیون و تجزیه‌طلبان

صورت می‌گرفت و سفارتخانه آمریکا در تهران به ستاد ایجاد هماهنگی میان نیروهای مخالف انقلاب تبدیل شده بود. در یکی از اسناد به‌دست آمده از سفارتخانه آمریکا در تهران تمایل به استفاده از ظرفیت قومیت‌ها جهت سرنگونی نظام جمهوری اسلامی به خوبی بازتاب یافته است. در سندی به تاریخ ششم اوت ۱۹۷۹م (۱۳۵۸/۰۵/۱۵) که دارای طبقه‌بندی «سری» می‌باشد، چنین آمده است: «اگر کردها، آذربایجانی‌ها، اعراب و سایر گروه‌های قومی تلاش‌های خود را هماهنگ کنند (اغتشاش همزمان) و در جهت مشترک سرنگونی دولت کنونی با یکدیگر همکاری و از یکدیگر حمایت کنند، به عقیده ما آنها امکان موفقیت دارند.»

۷. حمله نظامی به طبرستان

به دنبال اقدامات خصمانه آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی و تبدیل سفارت آمریکا به کانونی برای توطئه علیه ایران و تلاش برای هماهنگ ساختن فعالیت‌های نیروهای لیبرال و ملی‌گرا علیه انقلاب اسلامی که بعدها در اسناد لانه جاسوسی منتشر گردید و نیز پذیرفتن شاه معدوم توسط این کشور و عدم استرداد وی، سفارت آمریکا در تهران به اشغال دانشجویان پیرو خط امام درآمد.

پس از ماجرای تسخیر لانه جاسوسی در تهران توسط دانشجویان، آمریکایی‌ها برای حل بحران گروگان‌گیری تلاش زیادی انجام دادند و فشارهای زیادی را علیه کشور ما ایجاد نمودند و همزمان با فعالیت‌های گسترده تبلیغاتی و رسانه‌ای علیه کشورمان، تحریم‌های اقتصادی علیه کشورمان توسط آمریکا و برخی کشورهای اروپایی به مرحله اجرا در آمد و دارایی‌های ایران در این کشور مسدود گردید، آمریکایی‌ها ابتدا خواهان مذاکره با کشورمان در این خصوص بودند، اما پیش شرط امام برای مذاکره، تحویل شاه معدوم به ایران بود و آمریکایی‌ها به جای پذیرفتن این خواست طبیعی ملت ایران، در فاز نظامی قدم نهادند.

برژینسکی در کتاب توطئه در ایران می‌نویسد: «طرح عملیات نجات را من ابتدا به‌عنوان آخرین چاره یا یک اقدام اضطراری در صورت به خطر افتادن جان گروگان‌ها تعقیب می‌کردم و به مؤثر بودن عملیات نظامی، نظیر محاصره دریایی ایران، تصرف

جزیره خارک و حملات هوایی به هدفهایی در داخل خاک ایران بیشتر اعتقاد داشتیم.» (برژینسکی، ۱۳۶۲، ص ۱۸۸).

آمریکایی‌ها پس از مطالعات فراوان و با اتکا به عناصر ضد انقلاب و وابسته به رژیم منحوس شاه، مصمم به حمله به ایران شدند و در پنجم اردیبهشت ۱۳۵۹ شبانه تعدادی از نیروهای آموزش دیده و ویژه خود را توسط پنج فروند هواپیمای پیشرفته آمریکایی در یکی از فرودگاه‌های متروکه، در صحرای طبس پیاده کردند تا از آنجا براساس برنامه‌ریزی قبلی و یک زمان‌بندی دقیق، عملیات نظامی خود را آغاز کنند، اما با عنایت خداوند و الطاف خفیه الهی، گرفتار طوفان شده و با انهدام هواپیماها، این عملیات نظامی به شکست مفتضحانه‌ای برای آمریکا تبدیل شد.

۸. کودتای نقاب (نوژه)

این کودتا که پس از گذشت هفتاد و پنج روز از تهاجم آمریکا به طبس به وقوع پیوست، بزرگ‌ترین حرکت ائتلافی گروه‌های ضد انقلاب و قدرت‌های غربی جهت براندازی نظام جمهوری اسلامی به حساب می‌آید، کودتای نقاب توسط یک ستاد از پاریس به رهبری شاهپور بختیار هدایت می‌شد و صحنه‌گردان اصلی آن آمریکا بود، یکی از سران کودتا نقش آمریکا در این ماجرا را چنین بازگو کرد: «هماهنگی بین اسرائیل و کشورهای مرتجع منطقه نظیر عربستان، مصر، عراق توسط نماینده سازمان سیا مستقر در دفتر دکتر بختیار انجام می‌گرفت، تأمین هزینه‌های مادی چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم نیز توسط آمریکا صورت گرفته است...» (کودتای نوژه، ۱۳۶۸، ص ۳۷).

سازمان سیا امید زیادی به کودتای نوژه بسته بود و آن را ضربه نهایی علیه نظام جمهوری اسلامی می‌پنداشت، تجهیزات نظامی که قرار بود در داخل و خارج کشور در این کودتا به کار گرفته شود، همچنین افراد برجسته کادر رهبری و اجرایی و برنامه‌ریزی دقیق آن و... در تاریخ کودتاهای جهان بی‌سابقه بود، دقت طراحی کودتا در حدی بود که سیا موفقیت آن را قطعی می‌دانست، اما با عنایات خداوند، قبل از اینکه این کودتا وارد فاز اجرایی خود شود، طی یک عملیات بسیار دقیق کشف شد و

تمامی عوامل آن در داخل کشور دستگیر شدند و این توطئه بزرگ نیز که می‌رفت تا ضربه جبران ناپذیری به نظام اسلامی بزند، خنثی و در نطفه خفه گردید.

۹. تحریک صدام و تحمیل جنگ علیه ایران

آمریکایی‌ها پس از شکست سنگین در کودتای نقاب، تحرکات شدیدی را برای ترغیب صدام به جنگ با ایران آغاز کردند، برژینسکی مشاور امنیت ملی آمریکا، برای آماده‌سازی عراق برای شروع جنگ سفرهای محرمانه متعددی به بغداد کرد که مجله ژورنال استریت مورخ ۸ فوریه ۱۹۸۰ یکی از این سفرهای محرمانه را فاش ساخت، علاوه بر این، مطبوعات اروپایی نیز در همان زمان از ملاقاتهای متعدد برژینسکی با صدام خبر دادند (واعظی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۸).

مجله فیگارو به نقل از طارق عزیز، وزیر امور خارجه وقت عراق در این باره چنین گزارش داد: «جریان جنگ ایران و عراق در واقع از ژوئن گذشته (تیرماه ۱۳۵۹) زمانی آغاز شد که برژینسکی به اردن سفر کرد و در مرز دو کشور اردن و عراق با شخص صدام ملاقات کرد و قول داد که از صدام حسین کاملاً حمایت نماید و این امر را تفهیم کرد که آمریکا با آرزوی عراق در مورد شط العرب و احتمالاً برقراری یک جمهوری عربستان در این منطقه مخالفت نخواهد کرد و بالاخره کلیه این اقدامات به کشاندن عراق به جنگ علیه ایران منجر شد و پیش‌بینی‌ها چنین بود که اگر بغداد پیروز بشود، ایران بی‌ثبات می‌شود و رژیم جمهوری اسلامی از میان می‌رود و یک دولت طرفدار غرب به جای آن به قدرت می‌رسد و در صورتی که عراق با شکست مواجه گردد، آمریکا می‌تواند خود را به‌عنوان حامی و مدافع ایران قلمداد نماید.» (روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۰۹/۱۷).

نماینده آمریکا در سازمان ملل در همان روزهای آغازین جنگ اعلام کرد: «اگر عراق از آمریکا کمک بخواهد هرگونه امکانات نظامی را در اختیار عراق قرار خواهد داد.» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۷/۰۷).

هر چند آمریکایی‌ها کوشیده‌اند که نقش خود را در تحریک صدام برای حمله به ایران کتمان کنند، اما تجهیز صدام به انواع سلاح‌های جدید جنگی و کشتار جمعی و

نیز حمایت‌های رسانه‌ای، سیاسی و بین‌المللی از سوی آمریکا و هم‌پیمانان وی، چیزی نیست که بتوان آن را کتمان یا انکار کرد.

روزنامه سوئدی تمپوس به نقل از هنری کسینجر وزیر امور خارجه پیشین آمریکا در این زمینه نوشت: «واشنگتن در مورد ایران که هرگز اهداف خود را محرمانه نمی‌گذارد، به این نتیجه رسیده است که این کشور تهدیدی بزرگ‌تر است، ایران در نظر دارد بر عراق پیروز شده و دولتی اسلامی در این منطقه مستقر نماید.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۵/۰۲/۲۵).

سایروس ونس وزیر امور خارجه آمریکا در زمان کارتر نیز رسماً اعلام کرد: «ما در جنگ طولانی و پر خسارت ایران و عراق، علیه ایران بودیم.» (فرید، ۱۳۷۸، ص ۱۵۱).

۱۰. رویارویی و دخالت نظامی مستقیم در جنگ

حمایت آمریکا در جنگ تحمیلی تنها به کمک‌های نظامی به این کشور خلاصه نشد، بلکه آمریکا در شرایطی که جمهوری اسلامی به موفقیت‌ها و برتری نسبی در جنگ دست یافت، مداخله مستقیم نظامی را در دستور کار قرار داد که می‌توان به هدف قرار دادن سکوهای نفتی ایران، حمله به کشتی «ایران اجر» ناوچه «جوشن» و «سهند» اشاره نمود، یکی از اقدامات وحشیانه این کشور در روزهای پایان جنگ، حمله ناو آمریکایی وینسنس به هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی ایران در ۱۲ تیر ماه ۱۳۶۷ بود که در جریان این حمله ددمنشانه تمامی ۲۹۰ نفر مسافر و خدمه هواپیما که ۱۱۸ نفر از آنها زن و کودک بودند، به شهادت رسیدند، سران کاخ سفید نه تنها بابت این جنایت از ملت ایران عذرخواهی نکردند، بلکه در اقدامی بهت‌انگیز به فرمانده این ناو به خاطر ارتکاب این جنایت مدال افتخار دادند (سلیمی‌بنی، ۱۳۸۳، ص ۲۸۶-۲۸۵).

۱۱. فشارهای اقتصادی و اقدامات تحریمی علیه نظام جمهوری اسلامی

یکی از اقدامات دولت آمریکا برای مقابله با انقلاب اسلامی اعمال فشارها و تحریم‌های اقتصادی علیه کشورمان است که این تحریم‌ها با دستور کارتر در ۲۳ آبان ۵۸ با مسدود نمودن اموال و دارایی‌های ایران در مؤسسات مالی و بانک‌های آمریکایی آغاز گردید و تا به امروز ادامه داشته و همواره تمدید و تشدید شده است، دولت آمریکا

با هدف تضعیف قدرت اقتصادی و مالی ایران و به زانو درآوردن نظام نوپای اسلامی، به اصطلاح سیاست مهار ایران را در پیش گرفت، در دوران ریاست جمهوری ریگان، مجازات‌های سنگینی برای مؤسسات و شرکت‌های آمریکایی که قصد سرمایه‌گذاری در بخش‌های نفت و گاز ایران را داشتند، در نظر گرفته شد.

همچنین با تصویب و اجرای طرح «داماتو» در زمان ریاست جمهوری کلینتون، تحریم اقتصادی ایران وارد مرحله نوینی شد که به موجب آن، شرکت‌های غیرآمریکایی که بیش از چهل میلیون دلار در سال در صنایع نفتی ایران سرمایه‌گذاری می‌کردند، مشمول تحریم‌های سنگین این کشور قرار می‌گرفتند، کلینتون رئیس‌جمهور وقت آمریکا اعلام کرد: «ما از تمامی دوستانمان در جهان می‌خواهیم که از داشتن مناسبات اقتصادی با ایران اجتناب کنند و همانند آمریکا، ایران را تحت فشار و تحریم قرار دهند؛ زیرا ایران سرسخت‌ترین مخالف صلح خاورمیانه (اعراب و اسرائیل) است.» (واعظی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۵).

امروز نیز آمریکا به بهانه تلاش جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به انرژی هسته‌ای، تحریم‌های شدیدی را علیه کشور ما به کار گرفته و دامنه و گستره تحریم‌ها را شامل مراودات بانکی و شرکت‌های تجاری و بازرگانی و حتی دارو نموده است که با هدف ایجاد نارضایتی مردم و جدا نمودن آنان از نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان پشتوانه اصلی نظام صورت می‌گیرد، اما ایستادگی و صلابت مردم در برابر زیاده‌خواهی‌های آمریکا موجب شد با وجود همه سختی‌ها، ایران اسلامی نه تنها در برابر همه تحریم‌ها ایستادگی نماید که آنها را به فرصتی برای پیشرفت کشور تبدیل نماید.

۱۲. حمایت، سازماندهی و هدایت مخالفان نظام

یکی دیگر از اقدامات مداخلانه جویانه آمریکا علیه انقلاب اسلامی، حمایت، سازماندهی و هدایت مخالفان نظام برای مقابله با نظام اسلامی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز بوده است، این حمایت شامل حمایت مالی، تسلیحاتی، رسانه‌ای و تبلیغاتی و... می‌باشد، حمایت این کشور از منافقان و تجهیز مادی و

تسلحاتی آنان برای عملیات تروریستی علیه نظام جمهوری اسلامی بر کسی پوشیده نیست.

هدایت و حمایت آشکار سران این کشور از غائله هجده تیر سال ۷۸ و فتنه سال ۸۸ عمق کینه‌توزی آنان را به‌خوبی نشان می‌دهد، در جریان فتنه ۸۸ مقامات آمریکایی بی‌پرده با دخالت در امور داخلی کشور ما به حمایت از جریان فتنه پرداختند، هیلاری کلینتون که وزارت خارجه آمریکا را در آن زمان بر عهده داشت اظهار داشت: «دولت آمریکا از بیرون ایران هر حمایتی از دستش بر می‌آید از معترضان (جریان فتنه) کرد»، «همه ایرانیانی که در تلاش برای شنیده شدن صدایتان و دفاع از آزادی‌های بنیادی و حقوق بشر هستید، بدانید تنها نیستید، ایالات متحده آمریکا و جامعه جهانی پشتیبان شماست.» (گزارش کمیسیون اصل ۹۰ مجلس درباره فتنه ۸۸) همچنین باراک اوباما گستاخانه ابزار داشت: «ایرانی‌ها باید شجاعت لازم برای بیان آزادی را داشته باشند و به اعتراضات خود ادامه دهند، امیدواری و توقع من این است؛ همچنان شاهد این باشیم که مردم ایران شجاعت ابراز اشتیاق برای به‌دست آوردن آزادی بیشتر و حکومتی مبتنی بر مردم‌سالاری بیشتر را داشته باشند.» (همان).

۱۳. فضاسازی سیاسی و تبلیغاتی و جنگ روانی علیه نظام جمهوری اسلامی

از دیگر ابعاد اقدامات مداخله جویانه آمریکا فضاسازی و جنجال تبلیغاتی گسترده و جنگ رسانه‌ای تمام عیار علیه نظام اسلامی و اتهامات و ادعاهای واهی و بی‌اساس به کشورمان با هدف تخریب چهره نظام است، اتهاماتی همچون «نقض حقوق بشر»، «حمایت از تروریسم و گروه‌های تروریستی»، «تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی» و... که هر از گاهی در قالب سناریوهای مختلف و با ابعاد گسترده رسانه‌ای اجرا می‌گردد، اتهاماتی که واقعیت آن در خود آمریکا و رفتار این کشور کاملاً آشکار است.

۱۴. اختصاص بودجه‌های کلان برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی

از اقدامات خصمانه آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی، در نظر گرفتن بودجه‌های کلان برای مقابله و ضربه‌زدن به جمهوری اسلامی است، نگاهی به بودجه‌های

مصوب سنای آمریکا در پنج سال گذشته گویای آن است که در سال ۲۰۰۷ مبلغ ۶۶ میلیون دلار برای «گسترش دموکراسی در ایران»، سال ۲۰۰۹ مبلغ ۵۵ میلیون دلار برای «جنگ نرم با ایران»، سال ۲۰۱۰ مبلغ ۵۵ میلیون دلار برای «نفوذ در ایران، مقابله با فیلترینگ سایت‌های ضد ایرانی، تحریک قربانیان سانسور در ایران، آموزش الکترونیکی ایرانیان مخالف نظام برای براندازی نرم و شبکه‌سازی اینترنتی برای اغتشاشگران بعد از انتخابات ریاست جمهوری، ارائه آموزش‌های لازم رسانه‌ای و کامپیوتری برای راه‌اندازی سایت‌ها جهت اطلاع رسانی» و مبلغ ۲۰ میلیون دلار بودجه تکمیلی برای «مبارزه با ایران از طریق فعالیت‌های اینترنتی» و در سال ۲۰۱۱ مبلغ ۲۵ میلیون دلار برای «حمایت از هکرها برای تخریب فضای سایبری ایران» تخصیص یافته است.

در گزارش عملکردهای بودجه‌ای آمریکا چنین آمده که همه ساله مبالغی به «صندوق دموکراسی خواهی در ایران» واریز شده، مبالغ ده‌ها میلیون دلاری صرف برنامه‌های حقوق بشر در ایران شده و آن‌گونه که کاندولیزا رایس وزیر وقت امور خارجه آمریکا هم در گزارش سالانه خود اعلام کرد؛ مبالغی هم برای هیأت کارفرمایان پخش رادیو تلویزیونی (شامل هزینه‌های صدای آمریکا به فارسی، رادیو فردا و رادیو آزادی) هزینه خواهد شد، البته در سال‌های اخیر و در دولت اوباما بخش اعظمی از این بودجه صرف برنامه‌های اینترنتی و اقدامات آموزشی و مراودات فرهنگی شده است، چنان‌که هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا گفته بود؛ بودجه ۲۵ میلیون دلاری پنتاگون علیه ایران را به مخالفان نظام سیاسی ایران اختصاص می‌دهد که به اصطلاح او به «قاتلان، هکرها و سانسورچیان» حمله کنند، این اقدام در واقع گامی عملی در جهت آنچه که تحت عنوان «دستور کار آزادی اینترنت» از سوی وی مطرح گردیده به‌شمار می‌رود (www.khabaronline.ir/detail/134936).

۱۵. مقابله با دستیابی جمهوری اسلامی به فناوری هسته‌ای

با وجود رعایت تمامی موازین و مقررات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از سوی کشور ما، آمریکا تلاش نمود تا با استفاده از ابزارهای مختلف، مانع دستیابی جمهوری اسلامی به فناوری هسته‌ای گردد و در این راه از هیچ کوششی فروگذار ننموده است،

از صدور قطعنامه ضدایرانی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گرفته تا فرستادن گزارش پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل و صدور قطعنامه برای اعمال فشار مضاعف علیه ایران و گسترش تحریم‌ها در قالب اقدام‌های رسمی و اقدام‌های غیررسمی چون ترور دانشمندان هسته‌ای ایران و استفاده از ویروس «استاکس نت» برای تخریب سیستم رایانه مرکزی تأسیسات هسته‌ای بوشهر و... (غریب‌آبادی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۰-۲۶۸).

۱۶. تهاجم فرهنگی و جنگ نرم

ابعاد توطئه‌های آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی تنها به جنگ سخت علیه نظام جمهوری اسلامی محدود نبوده، بلکه گستره آن ریشه‌های فرهنگی و فکری نظام جمهوری اسلامی را به‌عنوان پایه‌های اصلی انقلاب اسلامی در برگرفته و شاهد تهاجم گسترده فرهنگی و جنگ نرم این کشور علیه نظام جمهوری اسلامی می‌باشیم. ادوارد شرلی نظریه پرداز آمریکایی می‌گوید: «کلید اصلی برای ایجاد یک تغییر بنیادین در سیاست‌های ایران از بین بردن خصوصیات انقلابی ایران است و باید عقاید انقلاب را از درون تهی کرد.» (طهماسبی‌پور، ۱۳۷۸، ص ۹۶).

دیوید کیو مأمور وقت سازمان سیا و رابط آن با برخی گروه‌های و عناصر ضد انقلاب می‌گوید: «مهم‌ترین حرکت در جهت براندازی جمهوری اسلامی تغییر فرهنگ جامعه فعلی ایران است و ما مصمم به آن هستیم.» (نگارش، ۱۳۸۰، ص ۱۸۰).

ابعاد جنگ نرم علیه نظام جمهوری اسلامی به گونه‌ای است که بیش از شصت بنیاد و مؤسسه در زمینه جنگ نرم علیه نظام جمهوری اسلامی فعال هستند که از جمله می‌توان به بنیاد سوروس یا بنیاد جامعه باز، مرکز وودرو ویلسون، خانه آزادی، صندوق اعانه ملی برای دموکراسی (N.E.D)، مؤسسه دموکراتیک ملی (N.D.I)، مؤسسه جمهوری خواه ملی (N.R.I)، بنیاد فورد، بنیاد برادران راکفلر، بنیاد کارنگی، مؤسسه آمریکن اینترپرایز، بنیاد دموکراسی در ایران، انستیتو آلبرت انیشتین، کمیته خطر حاضر، انستیتو بروکینگز، مرکز سابان وابسته به بروکینگز، دیده‌بان حقوق بشر، مؤسسه کاتو، مرکز هیستینگز، مرکز بین‌المللی تحقیقات بر روی زنان و... اشاره نمود (مرسلی، ۱۳۹۲، ص ۸۶).

فعالیت شبکه‌های فارسی زبان از جمله BBC، VOA، رادیو فردا، رادیو زمانه، رادیو رژیم صهیونیستی، شبکه‌های ماهواره‌ای ضدانقلاب مانند منافقین، گروه‌های سلطنت‌طلب، پارس، رنگارنگ، فیس بوک توئیتر و... بیانگر تلاش همه‌جانبه دنیای استکبار و به‌ویژه آمریکا و جنگ نرم این کشور به‌منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی است.

اینها تنها نمونه‌هایی از فهرست بلند توطئه‌ها و اقدامات خصمانه آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی می‌باشد که به‌خوبی بیانگر عمق کینه و دشمنی این کشور با نظام جمهوری اسلامی است.

واکاوی دلایل دشمنی و خصومت آمریکا با ایران

در بررسی مهمترین دلایل و عوامل دشمنی دشمنان انقلاب اسلامی با نظام جمهوری اسلامی و دست برداشتن از این دشمنی و عناد، می‌توان به این موارد به‌طور گذرا اشاره نمود:

۱. خوی استکباری و سلطه‌جویانه آمریکا

خوی سلطه‌جویانه و هژمونی طلبی آمریکا موجب شده تا این کشور حاضر به پذیرش کشورهای مستقل و آزاد نبوده و به‌دنبال تحکیم خواسته‌های خود بر سایر کشورهاست. یکی از جنبه‌های دشمنی این کشور با کشور ما نیز محصل این ماهیت آمریکاست. آمریکا هیچگاه خواهان وجود کشورهایی که از سیاست‌های این کشور سرپیچی نمایند، نبوده و نیست و در این میان کشورهای اسلامی به‌دلیل ماهیت دینی آنها که ظرفیت به چالش کشیدن فرهنگ غربی را داراست، با دشمنی مضاعفی روبرو هستند. مارتین ایندایک معاون خاورمیانه‌ای وقت وزارت خارجه آمریکا با اشاره به ناهمخوانی سیاست‌های جمهوری اسلامی با ایالت متحده گستاخانه تأکید می‌کند که مجازات و تنبیه ایران، درس عبرتی برای کشورهایی خواهد بود که در مسیر استقلال و رهبری از رهبری آمریکا گام بر می‌دارند (روزنامه کیهان، ۱۳۷۸/۰۱/۲۶).

حضرت امام علیه السلام عمق کینه و دشمنی آمریکا را نسبت به کشورمان این‌گونه تبیین فرمودند: «نکته مهمی که همه باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست

خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟ به‌یقین آنان مرزی جز عدول از همهٔ هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی مان نمی‌شناسند به گفته قرآن کریم هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر اینکه شما را از دین‌تان برگردانند... آری اگر ملت ایران از همهٔ اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام را با دست‌های خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهان‌خواران او را به‌عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ به رسمیت بشناسند ولی در همان حدی که آنها آقا باشند ما نوکر، آنها ابر قدرت باشند ما ضعیف، آنها ولی و قیم باشند، ما جیره‌خوار و حافظ منافع آنها، نه یک ایران با هویت ایران اسلامی.» (امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۷۰، ج ۲۰، ص ۲۳۷).

۲. اسلامی بودن نظام جمهوری اسلامی

یکی از مهمترین عوامل دشمنی استکبار جهانی و در رأس آنها آمریکا با نظام جمهوری اسلامی که ریشهٔ اصلی تمامی دشمنی‌ها می‌باشد، اسلامی بودن انقلاب و شکل‌گیری انقلاب بر پایهٔ اسلام ناب است. اسلامی که بر خلاف اسلام منفعلانه و سازشکارانه و به تعبیر حضرت امام «اسلام آمریکایی» کشوری همچون عربستان که سلطه و نفوذ آمریکا و قدرت‌های بزرگ را پذیرفته و حاضر است عزت و شرافت خویش را فدا کرده و به‌عنوان یک گاو شیرده برای آنان نقش آفرینی کند، زیر بار سلطه‌گری قدرت‌های بزرگ نرفته و به‌دنبال عزت و استقلال و کرامت خویش است. انقلاب اسلامی که بر پایهٔ فرهنگ غنی اسلام ناب شکل گرفت، فرهنگ غرب و مبانی آن را به چالش کشیده و زیر سؤال برد و همین مسئله از دلایل رویارویی آمریکا با انقلاب اسلامی بوده است. ریچارد نیکسون رئیس‌جمهور سابق آمریکا می‌گوید: «جهان اسلام در قرن بیست و یکم یکی از مهمترین میدان‌های زور آزمایی سیاست خارجی آمریکاست.» (نیکسون، ۱۳۷۶، ص ۲۵۶) هانتینگتون نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی می‌گوید: «تقابل اصلی آیندهٔ جوامع بشری بر خورد فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی است.» (طهماسبی پور، ۱۳۷۸، ص ۴۷).

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «امروز دشمنی اردوگاه استکبار با ایران اسلامی به خاطر اسلام است، آنها با اسلام دشمن هستند که بر جمهوری اسلامی ایران فشار وارد می‌کنند و الله که آمریکا از ملت ایران از هیچ چیز شان به قدر مسلمان بودن و پایبند به اسلام ناب محمدی بودن ناراحت نیست، او می‌خواهد شما از این پایبندی دست بردارید.» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۰۲/۱۳).

۳. اهمیت و موقعیت راهبردی ایران

قرار گرفتن ایران در منطقه پر اهمیت و راهبردی خاورمیانه که عمده‌ترین مرکز انرژی جهان محسوب می‌گردد و برخورداری از منابع سرشار همواره یکی از عوامل دست اندازی و تلاش برای تسلط بر کشور ما بوده است. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا حاکم بلامنازع منطقه خاورمیانه بود و ایران به‌عنوان مهم‌ترین و قوی‌ترین متحد استراتژیک آمریکا در خاورمیانه و خلیج فارس محسوب می‌گردید، اما انقلاب اسلامی منافع غرب و به‌ویژه آمریکا را در منطقه استراتژیک خاورمیانه به خطر انداخته است و دست آنان را از این منابع کوتاه کرد و همین یکی از عوامل دشمنی با آن گردید. برژینسکی نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی می‌گوید: «تجدید حیات اسلام بنیادگرا در سراسر منطقه با سقوط شاه و تشنجات ناشی از ایران امام خمینی علیه السلام یک مخاطره مستمر برای منافع ما در منطقه‌ای که حیات جهان غرب کاملاً به آن وابسته است ایجاد کرده است، بنیادگرایی اسلامی پدیده‌ای است که امروزه آشکارا نظم و ثبات موجود را تهدید می‌کند.» (داودی، ۱۳۶۸، ص ۸۰).

مقام معظم رهبری فرمودند: «اینکه ملاحظه می‌کنید بعد از پیروزی انقلاب تاکنون آمریکایی‌ها از دشمنی با ملت و کشور و نظام جمهوری اسلامی هرگز دست نکشیده‌اند و یک لحظه از دشمنی باز نایستاده‌اند علت همین است، اینجا پایگاه سیاسی و اقتصادی امن و امان آمریکایی‌ها بود، اما فکر اسلامی و ایمان اسلامی این ملت را بیدار کرد و آنها توانستند به برکت اسلام، دست این سلطه‌طلب زیاده‌خواه زورگوی چپاولگر را کوتاه کنند، در حقیقت اسلام در کشور ما بزرگترین ضربه را به استکبار آمریکایی زده است، بنابراین آنها هم بزرگترین کینه را دارند و بی‌مه‌ار اقداماتی می‌کنند.» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۱/۰۹/۰۱).

۴. زیر سؤال بردن نظام استکباری

موجودیت نظام جمهوری اسلامی و حرکت با صلابت و مقتدرانه آن، بنیان نظام استکباری را به خطر انداخته است و همین مسئله از دلایل دشمنی استکبار جهانی و آمریکا با انقلاب اسلامی است، ریچارد مورفی، معاون پیشین وزیر خارجه آمریکا در گزارشی خطاب به نمایندگان کنگره آمریکا گفت: «اولویت‌های آمریکا مبتنی بر حفظ جریان آزاد نفت از خلیج فارس، مهار کردن نفوذ روسیه و جلوگیری از رادیکالیسم اسلامی است، پدیده انقلاب اسلامی ایران دیگر تنها یک مسئله استراتژیک متعارف نیست، مسئله امواجی است که این انقلاب پدید آورده و بنیادهای تمدن معاصر کاپیتالیستی و سوسیالیستی غرب را به لرزه انداخته است.» (واعظی، ۱۳۷۹، ص ۳۱۴)

مقام معظم رهبری فرمودند: «موضع انقلاب اسلامی موضع هجومی است، هجوم علیه سیستم ظالمانه و ستمگرانه‌ای که امروز بر دنیای سیاست در سراسر عالم و بر زندگی واقعی مردم حاکم است؛ یعنی هجوم بر نظام سلطه...، انقلاب اسلامی فریاد و نهیبی است علیه چنین نظام‌های ظالمانه‌ای در دنیا، علت این هم که نظام اسلامی و انقلاب اسلامی در چشم‌ها و کام‌های ملت‌ها شیرین بوده و همچنان هست، همین است. این هم که می‌بینید در دنیا سیاست‌های گوناگون با شیوه‌های مختلف مرتب روی جمهوری اسلامی فشار می‌آورند تا در قضایای گوناگون مثلاً در قضیه فلسطین موضع نگیرد، بعضی ساده‌لوح‌ها خیال می‌کنند که مشکل فقط این است که جمهوری اسلامی در فلان قضیه موضع تندی دارد؛ لذا می‌گویند: شما موضع تند نگیرید، در صورتی که مسئله این نیست، مسئله این است که مواضع اصولی جمهوری اسلامی، اصل سیاست‌های سلطه را در دنیا تهدید و ملت‌ها را امیدوار می‌کند.» (بیانات در دیدار با دانشجویان و دانش‌آموزان طرح ولایت، ۱۳۸۱/۰۵/۱۷).

۵. انقلاب اسلامی، کانون بیداری و الگوی سایر ملت‌ها

تأثیرگذاری و نفوذ انقلاب اسلامی در نهضت‌های آزادیبخش در سراسر جهان و تبدیل شدن انقلاب اسلامی به عنوان کانون بیداری ملت‌ها و الگویی برای مبارزه و مقابله با قدرت‌های بزرگ و دمیدن روحیه استکبارستیزی در میان آنان که امروز نمونه‌های آن

را در کشورهای عربی اسلامی شاهد هستیم، از دلایل عمده دشمنی آمریکا با نظام جمهوری اسلامی است. الکساندر هیک وزیر دفاع اسبق آمریکا می‌گوید: «به نظر من خطرناک‌تر و مهم‌تر از این مشکلات بین‌المللی عواقب گسترش بنیادگرایی اسلامی است که در ایران پا گرفته و اکنون عراق و ثبات رژیم‌های عرب میانه‌رو را در منطقه تهدید می‌کند، می‌باشد. اگر این از کنترل خارج شود منافع ابر قدرت‌ها را به خطرناک‌ترین وجه به مخاطره خواهد انداخت.» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱/۱۲/۰۱).

مقام معظم رهبری فرمودند: «آمریکایی‌ها می‌دانند که اگر ایران اسلامی و ملت ایران بر قلّه رفیع این فناوری بایستد سخن حق او که دعوت به استقلال و عزت و سرافرازی است در افکار عمومی جهان به‌ویژه مسلمانان، نفوذ بیشتری خواهد یافت و دشمنان ملت از همین مسئله ناراحت و نگرانند.» (بیانات مقام معظم رهبری در جمع دست‌اندرکاران جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۰۴/۰۱).

و نیز فرمودند: «این موضوع نشأت گرفته از ایستادگی و ثبات ملت ایران و نشانه‌های خوب پیشرفت در ایران اسلامی است. صورت عزت ملت، سربلندی سیاسی نظام اسلامی، پیشرفت‌ها و نوآوری‌ها در عرصه‌های مختلف علمی و اقتصادی و کوتاه نیامدن در مقابل قدرت‌های زورگو، تداوم پیدا کرده و اکنون به الگویی برای ملت‌های منطقه تبدیل شده است.» (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و مسئولان نظامی و انتظامی، ۱۳۹۰/۰۱/۱۴).

۶. استقلال طلبی جمهوری اسلامی و حرکت در مسیر پیشرفت

استقلال طلبی و حرکت در مسیر توسعه و پیشرفت کشور و رهایی از وابستگی در عرصه‌های مختلف به سایر کشورها از جمله قدرت‌های بزرگ نیز از جمله دلایل دشمنی قدرت‌های بزرگ با نظام جمهوری اسلامی ایران است. نوام چامسکی نظریه پرداز مشهور آمریکایی نیز بر این باور است که «جمهوری اسلامی ایران از نظر آمریکا غیرقابل پذیرش است چون از استقلال خود چشم‌پوشی نمی‌کند.» (روزنامه رسالت، ۱۳۸۰/۰۲/۲۷).

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «دشمنی نظام مستکبر آمریکایی و هر مستکبر در دنیا با نظام اسلامی، به‌خاطر پرچم برافراشته عدالت است، به‌خاطر این

است که می‌بیند با نام اسلام و با تعالیم والای اسلام کشوری دارد به سمت رشد و توسعه و پیشرفت علمی و عملی حرکت می‌کند، می‌داند که این جلوی نفوذ آنها را خواهد گرفت، آنها با هر کشوری که خارج از قلمرو قدرت آنها به توسعه، به سمت رقابت با آنها حرکت کند مخالفند، آنها در مناطق مختلف عالم - که از لحاظ منابع حیاتی و منابع اقتصادی و زیر زمینی، ثروتمند و غنی است - منافع خودشان را دنبال می‌کنند و در پی این هستند که ظالمانه و مستکبرانه بر این کشورها پنجه بیفکنند و با قدرت زور و زر و تزویر خودشان بتوانند این منابع را در اختیار بگیرند، دشمنی آمریکا و استکبار با ایران اسلامی به خاطر این حرکت قدرتمندانه مردمی است چون ایمان مردم، علاقه مردم به استقلال و اطمینان به نفس مردم به ضرر آنهاست، آنها می‌خواهند کشور ما را همیشه وابسته نگه دارند، آنها می‌خواهند از لحاظ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشورهای این منطقه را وابسته به خودشان نگه دارند، وقتی کشوری مستقل است، وقتی اطمینان به نفس دارد و با اعتماد به خود، در راهی که او را به سمت اهداف والا می‌رساند، حرکت می‌کند، طبعاً اینها ناراضی می‌شوند، نارضایتی دشمنان جهانی ما به این خاطر است، آنها وقتی راضی می‌شوند که ملت ایران اختیار دین و دنیا و فرهنگ و اقتصاد خود را یکسره به آنها بسپارد، ملت ایران امروز بیدار شده است و زیر بار چنین زورگویی‌ها و قلدری‌هایی نمی‌رود.» (بیانات در اجتماع مردم رفسنجان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۸).

۷. دشمنی با رژیم صهیونیستی و حمایت از مردم مظلوم فلسطین و لبنان

یکی دیگر از دلایل دشمنی استکبار جهانی و آمریکا با جمهوری اسلامی، دشمنی با رژیم صهیونیستی و حمایت از مردم مظلوم فلسطین و لبنان در دستیابی به حقوق از دست رفته آنان و خط مقاومت در منطقه است، مارتین ایندایک می‌گوید: «دلیل اصلی ادامه ضدیت آمریکا با ایران نیز بدان جهت است که در سیاست ایران در قبال روند سازش تغییری ایجاد نشده است.» (خلیلی، ۱۳۸۱، ص ۴۶۶).

مقام معظم رهبری فرمودند: «مسئله فلسطین فقط مسئله جغرافیا نیست مسئله بشریت است، مسئله انسانیت است، امروز مسئله فلسطین شاخص میان پایبندی به اصول انسانی و ضدیت با اصول انسانی است، مسئله این قدر اهمیت دارد، آمریکا هم از این معامله زیان خواهد دید، بلاشک؛ این چیزهای تاریخی ده سال و بیست سال و

سی سال در تحولات تاریخی مثل یک لحظه است به زودی خواهد گذشت، قطعاً تاریخ آمریکا و آینده آمریکا مغلوب این حرکتی خواهد شد که در این پنجاه شصت سال اخیر آمریکایی‌ها در رابطه با مسئله فلسطین انجام دادند، مسئله فلسطین مایه بدنامی آمریکا در طول قرن‌های متمادی در آینده خواهد بود... مسئله فلسطین یک مسئله اسلامی است، همه ملت‌ها در مقابل فلسطین مسئولند، همه دولت‌ها در مقابل فلسطین مسئول هستند، چه دولت‌های مسلمان چه دولت‌های غیرمسلمان، هر دولتی که ادعای طرفداری از انسانیت را دارد مسئول است، منتها وظیفه مسلمان‌ها وظیفه سنگین‌تری است، دولت‌های اسلامی موظفند و باید به این وظیفه عمل بکنند، ما در جمهوری اسلامی مسئله فلسطین برایمان یک مسئله تاکتیکی نیست، یک استراتژی سیاسی هم نیست مسئله عقیده است مسئله دل است مسئله ایمان است.» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان افتتاحیه همایش غزه، ۱۳۸۸/۱۲/۰۸).

نتیجه‌گیری

بررسی فهرست بلند توطئه‌ها و شرارت‌های آمریکا علیه کشور ما چه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و واکاوی ریشه دشمنی و خصومت این کشور با کشورمان به خوبی نمایانگر این حقیقت است که این دشمنی، یک دشمنی سطحی و ظاهری نبوده و ریشه در ماهیت استکباری، سلطه‌جویانه و هژمونی آمریکا از یکسو و ماهیت اسلامی، استقلال‌طلبانه، حق‌طلبانه، سلطه‌ستیزانه و حمایت‌گرانه جمهوری اسلامی از سوی دیگر دارد، از این رو فروکاست این دشمنی به مسائلی همچون مسئله هسته‌ای، توان دفاعی و نفوذ منطقه‌ای کشورمان، غیرواقعی‌بینانه و نوعی خودفریفتگی است. تا زمانی که ماهیت سلطه‌جویانه و ظالمانه بر آمریکا پا برجاست و ماهیت اسلامی و استقلال‌طلبانه و سلطه‌ستیزانه کشورمان وجود دارد، امکان برقراری رابطه میان این دو کشور وجود نخواهد داشت. همان‌گونه که مقام‌معظم‌رهبری تصریح فرمودند: «یک تصور غلطی در اینجا وجود دارد و آن این است که «ما با آمریکا می‌توانیم کنار بیاییم؛ با آمریکا کنار بیاییم و مشکلات را حل کنیم!» خب این تصور، تصور درستی نیست. ما نمی‌توانیم به توهم تکیه کنیم، باید به واقعیت‌ها تکیه کنیم. اولاً همان‌طور که گفتیم، از لحاظ منطقی، نظامی مثل جمهوری

اسلامی ایران هرگز مورد محبت و ملاحظت نظامی مثل آمریکا قرار نمی‌گیرد؛ امکان ندارد. ثانیاً رفتارهایشان؛ از پنجاه سال پیش، شصت سال پیش، از بیست و هشتم مرداد، بعد از آن در دوران رژیم طاغوت، بعدش از اول انقلاب تا امروز، شما نگاه کنید ببینید رفتار آمریکا با ما چگونه بوده. در رژیم طاغوت، آمریکا به‌عنوان یک ثروت نگاه می‌کرد به رژیم پهلوی، در عین حال ضرباتی که در همان دوران از سوی آمریکا به ایران وارد شده ضربات کاری و مؤثری است که کسانی که با تاریخ آشنا نیستند، با زندگی آن دوران آشنا نیستند، کاملاً این را می‌فهمند و تصدیق می‌کنند؛ بعد از انقلاب هم که خب معلوم است؛ از روز اول شروع کردند به خیانت و عناد و تا امروز هم ادامه دارد؛ [پس] بحث سوء تفاهم نیست. یک‌وقت بین دو دولت سوء تفاهم هست، خب با مذاکره حل می‌شود؛ یک‌وقت اختلاف سر یک منطقه ارضی است... خب این را با مذاکره می‌توانند حل کنند... اینجا مسئله اصل موجودیت جمهوری اسلامی است و با مذاکره حل نمی‌شود، با رابطه حل نمی‌شود؛ این تصور، تصور درستی نیست. آنچه قدرت و استقلال و پیشرفت ناشی از اسلام و منطبق با اسلام در دنیا به‌عنوان یک پدیده به وجود آورده، برای استکبار - مظهر استکبار، آمریکا است - قابل قبول نیست؛ این یک تصور غلطی است که ما خیال کنیم حالا می‌شود بنشینیم با آمریکایی‌ها، بگوییم آقا بیاید یک‌جوری با همدیگر مصالحه کنیم. مصالحه به این است که شما از حرف‌های خودتان بگذرید. من دو سه سال قبل از این در اوایل این قضیه مذاکرات هسته‌ای، گفتم آمریکایی‌ها از همین الآن به ما بگویند اگر جمهوری اسلامی تا کجا عقب‌نشینی کند، آنها دیگر دشمنی نمی‌کنند؛ این را بگویند. اگر مسئله هسته‌ای حل شد، دیگر قضیه تمام است؟ خب حالا قضیه هسته‌ای حل شده، ببینید تمام است قضیه؟ قضیه موشک‌ها پیش آمد؛ قضیه موشک‌ها حل بشود، قضیه حقوق بشر است؛ قضیه حقوق بشر حل بشود، قضیه شورای نگهبان است؛ قضیه شورای نگهبان حل بشود، قضیه اصل رهبری و ولایت فقیه است؛ قضیه ولایت فقیه حل بشود، قضیه اصل قانون اساسی و حاکمیت اسلام است؛ اینها است، دعوا سر چیزهای جزئی نیست؛ بنابراین این تصور، تصور غلطی است.» (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۹۵/۰۳/۲۵).

فهرست منابع

۱. امام خمینی رحمته الله علیه، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۹.
۲. امام خمینی رحمته الله علیه، *صحیفه نور*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
۳. برژینسکی، زیگنیو، *توطئه در ایران*، ترجمه محمود مشرفی، تهران: هفته، ۱۳۶۲.
۴. بیل، جیمز، عقاب و شیر، *تراژدی روابط ایران و آمریکا*، ترجمه مهوش غلامی، تهران: کوبه، ۱۳۷۱.
۵. خلیلی، اسدالله، *روابط ایران و آمریکا*، بررسی دیدگاه نخبگان آمریکایی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۱.
۶. داودی، محسن، *ستیز غرب با آنچه بنیادگرایی اسلامی می‌نامد*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸.
۷. سلیمی‌بنی، صادق، *ارمغان دمکراسی*، قم: معارف، ۱۳۸۳.
۸. طهماسبی‌پور، امیر هوشنگ، *نفوذ و استحاله*، تهران: معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه ثارالله، ۱۳۷۸.
۹. فردوست، حسین، *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۱.
۱۰. فرید، مهرداد، *رابطه؟! (بررسی موضوع رابطه ایران و آمریکا از منظر تحولات بعد از دوم خرداد)*، تهران: سلام، ۱۳۷۸.
۱۱. کاظم غریب‌آبادی، *برنامه هسته‌ای ایران (واقعیت‌های اساسی)*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، پاییز ۱۳۸۷.
۱۲. لوین، مایکل و لوئیس، ویلیام، *کارت‌ر و سقوط شاه*، ترجمه ناصر ایرانی، تهران: سپهر، ۱۳۶۳.
۱۳. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، *کودتای نوژه*، تهران: مؤسسه مطالعه و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۶۸.

۱۴. مدنی، سیدجلال‌الدین، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹.
۱۵. مرسلی، فاطمه، *کانون‌های فکری استکبار (معرفی و بررسی عملکردهای بنیادهای جنگ نرم)*، تهران: اسرار قلم، ۱۳۹۲.
۱۶. نگارش، حمید، *هویت دینی و انقطاع فرهنگی*، تهران: نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۰.
۱۷. نیکسون، ریچارد، *فرصت را دریابیم*، ترجمه حسین وفسی نژاد، تهران: طرح نو، ۱۳۷۶.
۱۸. واعظی، حسن، *ایران و آمریکا*، تهران: سروش، ۱۳۷۹.
۱۹. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۱/۰۹/۰۱.
۲۰. بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع مردم رفسنجان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۸.
۲۱. بیانات مقام معظم رهبری در جمع دست‌اندرکاران جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۰۴/۰۱.
۲۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان و دانش‌آموزان طرح ولایت، ۱۳۸۱/۰۵/۱۷.
۲۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از فرماندهان و مسئولان نظامی و انتظامی، ۱۳۹۰/۰۱/۱۴.
۲۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان افتتاحیه همایش غزه، ۱۳۸۸/۱۲/۰۸.
۲۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۵/۰۲/۲۵.
۲۶. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۷/۰۷.
۲۷. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۰۹/۱۷.
۲۸. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۰۲/۱۳.
۲۹. روزنامه رسالت، ۱۳۸۰/۰۲/۲۷.
۳۰. روزنامه کیهان، ۱۳۷۸/۰۱/۲۶.
۳۱. گزارش کمیسیون اصل ۹۰ مجلس درباره فتنه ۸۸:
alef.ir/vdcccieqsm2bq1e8.ala2.html?13662